

سلسلة النسب

صفویه

بر اساس نسخه‌ای نویافته موزخ به ۱۰۹۹ قمری
در کتابخانه ملی تهران

نویسنده: حسین پیرزاده ابدال زاهدی

(زنده ۱۰۷۷ قمری)

تصحیح: حسین نصیرباغبان



- سرشناسه : پیرزاده زاهدی، حسین
- عنوان و نام پدیدآور : سلسله النسب صفویه / نویسنده حسین پیرزاده ابدال زاهدی؛
مقدمه و تصحیح حسین نصیرباغبان.
- مشخصات نشر : تهران: ارمغان تاریخ، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : ۲۷۴ ص: مصور (بخشی رنگی).
- شابک : 978-600-8079-03-3
- وضعیت فهرست : فیا
- نویسی
- یادداشت : کتابنامه؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : صفی الدین اردبیلی، اسحاق بن جبرئیل، ۶۵۰ - ۷۳۵ ق.
- موضوع : عارفان -- سرگذشتنامه
- موضوع : Mystics -- Biography :
- موضوع : ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق -- سرگذشتنامه
- موضوع : Iran -- History -- Safavids, 1502 - 1736 -- Biography
- شناسه افزوده : نصیرباغبان، حسین، ۱۳۶۵ - ، مقدمه نویس، مصحح
- رده بندی کنگره : BP/۲۷۹/۴ ص ۷پ ۹ ۱۳۹۵
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۸۹۲۴ :
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۰۰۲۲۷ :

سلسلۃ النسب صفویہ

نویسنده

حسین پیرزاده ابدال زاهدی

(زنده ۱۰۷۷ قمری)

مقدمه و تصحیح:

حسین نصیر باغبان



سلسله النسب صفویه

حسین پیرزاده ابدال زاهدی

مقدمه و تصحیح	حسین نصیریان
ناشر	ارمغان تاریخ
چاپ اول	تهران، ۱۳۹۵
شمارگان	۵۰۰
طراحی جلد	سعید نجف زاده
قیمت	۲۰۰۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۹-۰۳-۳
چاپخانه	ارمغان

تمامی حقوق برای مصحح محفوظ است

نشانی ناشر: تهران خیابان آزادی، خیابان شهیدان، برج پنجم واحد سه، کد پستی: ۱۳۴۱۹۱۵۵۱۴، همراه:

۰۹۳۶۶۰۶۹۱۲۳ - ۰۹۳۷۸۷۳۲۶۴۸، پست الکترونیک:

armaghan.tarikh@gmail.com

مراکز پخش: مراکز پخش: تهران: منشور سمیر، آدرس: میدان انقلاب، ابتدای خ کارگر جنوبی، کوچه

رشتچی، پلاک ۱۳، واحد ۴، تلفن: ۶۶۹۴۶۶۵۶، اهواز: کتابخانه هدایت، تلفن: ۰۶۱۳۵۵۳۰۷۶۱، دزفول:

کتابسرای رشد، تلفن: ۰۶۱۴۲۲۴۱۰۱۲

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
مقدمه مصحح	الف
بررسی کتابشناسی سلسله النسب صفویه	الف
منابع مورد استفاده صاحب سلسله النسب	ج
در احوال شیخ حسین پیرزاده نویسنده کتاب	ز
تصحیح پیشین سلسله النسب و چگونگی ویرایش نسخه حاضر	ع
شیوه تصحیح	ص
ویژگی های رسم الخطی نسخه خطی	ق
در تصحیح اشعار ترکی	ش
منابع و مآخذ مقدمه	ذ
مقدمه نسخه چاپی ۱۹۲۴ برلین	۳
سلسله النسب صفویه	۹
مقدمه مؤلف	۱۱
<۱> فصل در ذکر نسب صفی الدین اردبیلی	۱۷
در احوالات فیروزشاه و فرزندش عوض	۱۸
در احوالات محمد حافظ	۱۹
در احوالات صلاح الدین رشید (صالح)	۲۰
در احوالات قطب الدین بن صلاح الدین (صالح)	۲۱

- ۲۵ در احوالات امین الدین جبرئیل و همسرش - یعنی مادر شیخ
صفی الدین -
- ۲۶ در احوالات شیخ صفی الدین اردبیلی
- ۲۶ در ولادت
- ۲۹ <۲> فصل در بیان طلب و رسیدن حضرت شیخ [صفی
الدین] به خدمت شیخ زاهد - قدس سره -
- ۲۹ در بیان طلب
- ۳۰ در قصد دیدار نجیب الدین بزغوش و سفر به شیراز
- ۳۲ در بیان مصاحبت شیخ صفی الدین با درویشی جوان
- ۳۷ صفات ظاهری شیخ زاهد گیلانی
- ۳۸ در بازگشت شیخ صفی الدین به اردبیل
- ۳۸ خبر دادن شیخ زاهد مریدان را به آمدن شیخ صفی الدین
بدانجا
- ۴۱ <۳> فصل در رسیدن شیخ صفی الدین - قدس سره - به
مرشد الاقطاب و العارفین شیخ زاهد - قدس سره -
- ۴۲ در سبب آشنایی شیخ صفی الدین با شیخ زاهد
- ۴۵ از اردبیل تا هلیه گران
- ۴۷ دیدار شیخ صفی الدین با شیخ زاهد گیلانی
- ۵۲ در سال هایی که شیخ صفی الدین در نزد شیخ زاهد بود
- ۵۳ در احوال و مدفن برادران شیخ صفی الدین

- ۵۳ در بیان صفات ظاهری شیخ صفی الدین
- ۵۵ در فہلویات منقولہ از شیخ صفی الدین
- ۶۳ اشعار فارسی حضرت شیخ [صفی الدین] - قدس سرہ -
- ۶۸ در بیان اولاد شیخ صفی الدین
- ۶۹ در بیان حوادث آخر عمر شیخ صفی الدین
- ۷۰ طریقہ سلوک سالکان طریقت صفوی
- ۷۱ در احوالات و اخلاقیات شیخ صفی الدین
- ۷۵ <۴> فصل در بیان احوال ... شیخ صدرالدین بن حضرت
شیخ صفی الدین - قدس سرہما -
- ۷۷ اولاد صدرالدین بن شیخ صفی الدین
- ۷۷ در احوالات صدرالدین موسی
- ۸۰ واقعہ شیخ صدرالدین و ملک اشرف
- ۸۳ حکایت شیخ صدرالدین و باز آوردن درب مسجد جامع از
گرجیان
- ۸۶ حکایت عَلم حضرت رسول (ص)
- ۸۹ <۵> فصل در بیان احوال ... سلطان خواجه علی - قدس
سرہ -
- ۸۹ کرامت بستن رودخانه دز
- ۹۰ دیدار خواجه علی با تیمور گورکانی
- ۹۴ خواجه علی و جوان مس گر

- ۹۷ اوصاف ظاهری خواجه علی
- ۹۷ در اولاد خواجه علی
- ۹۸ اشعار خواجه علی
- ۱۳۱ <۶> فصل در بیان احوال ... شیخ ابراهیم المشهور به شیخ
شاه بن سلطان خواجه علی - قدس سره -
- ۱۳۴ در بیان رحلت شیخ ابراهیم و اموال وی
- ۱۳۹ <۷> فصل در بیان اولاد عارف طریقت و کاشف حقیقت
شیخ جنید - رحمه الله علیه - که جد عالی حضرت سلاطین
صفویه است بر سبیل ایجاز و اختصار
- ۱۴۱ <۸> فصل در بیان احوال قطب الاقطاب سلطان حیدر -
قدس سره -
- ۱۴۳ <۹> فصل در بیان احوال ... شاه اسماعیل بهادر خان
- ۱۵۵ <۱۰> فصل در بیان احوال شاه طهماسب
- ۱۵۷ <۱۱> فصل در بیان احوال شاه اسمعیل ثانی و سلطان
محمد خدا بنده
- ۱۵۹ <۱۲> فصل در بیان احوال شاه عباس
- ۱۶۱ <۱۳> فصل در بیان احوال شاه صفی
- ۱۶۳ <۱۴> فصل در بیان احوال شاه عباس دوم
- ۱۶۵ <۱۵> فصل در بیان جلوس شاه سلیمان
- ۱۶۷ خاتمه

فصل اول در بیان اتحاد و الفت صوری و معنوی حضرت ۱۶۷

شیخ صفی الدین - قدس الله ارواحهم -

حکایت اول ۱۶۷

حکایت دوم ۱۶۹

حکایت سوم ۱۷۰

حکایت چهارم ۱۷۱

حکایت پنجم ۱۷۲

حکایت ششم ۱۷۴

حکایت هفتم ۱۷۹

حکایت هشتم ۱۸۲

حکایت نهم ۱۸۲

حکایت دهم ۱۸۴

حکایت یازدهم ۱۸۵

فصل دوم در محبت و مودت حضرت شیخ صفی با اولاد ۱۹۷

حضرت شیخ زاهد - قدس الله ارواحهم -

حکایت اول ۱۹۸

حکایت دوم ۱۹۹

حکایت سوم ۲۰۱

حکایت چهارم ۲۰۴

حکایت پنجم ۲۰۶

- فصل سیم در بیان شفقت و رحمت اولاد شیخ صفی الدین ۲۰۹
با اولاد شیخ زاهد
- حکایت ۲۱۲
- در بیان رفتار اولاد شیخ صفی الدین با اولاد شیخ زاهد ۲۱۳
- وثیقه شیخ حیدر صفوی به شیخ قطب الدین ابوسعید ۲۱۴
- فرمان شاه طهماسب به جهت بخشودگی مالیات به فرزندان ۲۱۶
شیخ زاهد
- حکم تولیت آستانه شیخ صفی الدین در اردبیل به شیخ ۲۲۱
ابدال پیرزاده
- در وقایع و آثار زمان تولیت شیخ ابدال پیرزاده ۲۲۷
- نامه شاه صفوی به شیخ ابدال پیرزاده ۲۳۲
- در بیان تولیت بقعه شیخ صفی الدین در زمان شیخ شریف ۲۳۴
بیک
- در احوالات شیخ حسین پیرزاده نویسنده کتاب ۲۳۴
- انجام ۲۳۶
- انجامه ۲۳۶
- فهرست ها ۲۳۹
- آیات قرآنی ۲۴۱
- احادیث و جملات عربی ۲۴۲
- اشعار فارسی، عربی و ترکی ۲۴۳

۲۵۰	تصاویر
۲۵۱	جای‌ها
۲۵۸	کتاب‌ها
۲۵۹	کسان
۲۷۲	گروه‌ها

مقدمه مصحح

بررسی کتابشناسی سلسله النسب صفویه

یکی از کتب حائز اهمیت درباره تاریخ صفویه کتاب «سلسله النسب صفویه» است که پس از سال ۱۰۷۷ ق و در زمان پادشاهی شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) نوشته شده است. این کتاب راجع به احوال شیخ صفی الدین اردبیلی (۷۳۵-۶۵۰ ق) و اجداد و اولاد اوست که در یک مقدمه و پانزده فصل و خاتمه ای که مشتمل بر سه فصل است تدوین شده. نویسنده پس از مقدمه ای کوتاه به ذکر نسب شیخ صفی الدین تا امام موسی کاظم (ع) می پردازد آنگاه شروع به بیان حکایات و احوالاتی می کند که آغاز آن از چهار نسل قبل از شیخ صفی الدین تا چند نسل پس از او ادامه می یابد. حکایات مزبور برخی با خرافات آمیخته اند و برخی وجهه ای تاریخی و علمی دارند لیکن جنبه تاریخی حکایات بر خرافات آن غالب است. آوردن حکایاتی غریب و به دوراز ذهن نظیر، دزدیدن «محمد حافظ» - یکی از اجداد شیخ صفی الدین - و همچنین شنیدن آواز پدر توسط شیخ صفی الدین

در شکم مادر، یکی از نمونه‌های خرافی مندرج در این اثر است. علاوه بر مطالب فوق، نویسنده اسنادی را در کتاب آورده است که دربارهٔ تولیت آستان شیخ صفی‌الدین است و نکاتی را به جهت اوقاف و اهمیت آن آستان بازگو می‌کند.

نویسنده کتاب، یعنی شیخ حسین ابدال زاهدی، در حوزهٔ تاریخ و تاریخ‌نگاری اطلاعات مفیدی داشته است و در میان سطور به اشعاری که سرودهٔ خود او هستند استناد کرده است لیکن این اشعار از نظر وزن مختل است. نویسنده قصد داشته که عبارات خود را با شعر بیاراید که به نظر مصحح از عهدهٔ این کار به‌خوبی برنیامده است.

منابع مورد استفاده صاحب سلسله النسب

درباره زندگی و احوالات شیخ صفی‌الدین اردبیلی، چند اثر نگاشته شده که حائز اهمیت هستند. صفوة الصفای ابن بزاز اردبیلی، سلسله النسب صفویه و صفوة الآثار فی اخبار الاخیار^۱ از این قبیل‌اند. صفوة الصفا مطالب و حکایات بسیاری راجع به شیخ صفی‌الدین و شیخ زاهد دارد و اثری مفصل است، ولی سلسله النسب علاوه بر احوال شیخ صفی‌الدین به بررسی اعقاب او تا زمان موگف نیز می‌پردازد. فهلویات و اشعار فارسی که نویسنده سلسله النسب به شیخ صفی نسبت می‌دهد، در صفوة الصفای ابن بزاز اردبیلی یافت نمی‌شود. نیز دانسته نیست که منبع نوشته‌های شیخ حسین ابدال زاهدی در مورد بازماندگان شیخ صفی و اشعار منسوب به خواجه علی و شاه اسماعیل کدام کتاب بوده است.^۲ چنانچه صفوة الصفا و سلسله النسب

^۱- کتابی است که در سده دوازدهم ق توسط عبدالکاکم محمد اردبیلی در سه مقاله در احوال شیخ صفی‌الدین اردبیلی نگاشته شده. مقاله اول مراتب و مقامات شیخ صفی. مقاله دوم افادات او و تفاسیر آیات و حل اخبار از او. مقاله سوم کرامات و خوارق او. نویسنده مطالبی از این کتاب را از سلسله النسب صفویه برداشت نموده و تحت تأثیر اوضاع اواخر صفویه خواسته است تا شیخ صفی‌الدین را یکی از علماء و زهاد وقت معرفی کند و وجه تصوفی او را انکار نماید. این کتاب در مجموعه میراث اسلامی توسط کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده است. (صفوة الآثار فی اخبار الاخیار، عبدالکریم محمد اردبیلی، تصحیح میرهاشم محدث، میراث اسلامی ایران، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، دفتر سوم، ۱۳۷۵، صص ۱۹۷-۲۳۵)

^۲- گاهی تطبیقی به صفوة الصفا و سلسله النسب، رحیم لو یوسف، پژوهش‌های فلسفی، دانشگاه تبریز، زمستان ۱۳۵۱، شماره ۱۰۴، ص ۴۵۲

را باهم مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که بیست‌وشش حکایت مشترک در هر دو کتاب موجود است که سلسله النسب از صفوة الصفا برداشت کرده لیکن صاحب سلسله النسب تصرفی در حکایات منقوله از صفوة الصفا نموده و برخی اشعار و عبارات عربی را حذف کرده و کلمات را دگرگون کرده است.^۱

برخی پنداشته‌اند که یکی از منابع سلسله النسب تذکرة لطایف الخیال شاه محمد دارابی است^۲ لیکن راقم این اوراق با بررسی و تطبیق مطالبی که در جلد دوم لطایف الخیال با عنوان «ارباب کمال آذربایجان و نواحی قریب به آن» آمده، هیچ‌گونه قرابتی بین آن با سلسله النسب پیدا نکردم.^۳ بعید به نظر می‌رسد دو نویسنده‌ای که همزمان باهم زیسته‌اند، از آثار همدیگر باخبر بوده باشند، چه در آن دوران، ارتباطات گسترده‌ای وجود نداشته تا در خصوص کتب، اطلاع‌رسانی شود.

ادوارد براون در تاریخ ادبیات ایران اشاره کرده که یکی از منابع سلسله النسب کتاب مناقب العارفین افلاکی است،^۴ لیکن در

^۱ - همان، ص ۴۵۲

^۲ - همان، ص ۴۵۲ و ۴۵۷

^۳ - ر.ک: تذکرة لطایف الخیال، محمد بن محمد دارابی اصطهباناتی، تصحیح یوسف بیگ باباپور، مقدمه سید صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخایر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۲، جلد دوم، صفحات آغازین

^۴ - تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ادوارد براون، ترجمه دکتر بهرام مقعدادی، تهران، مروارید، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۴۸

بررسی مناقب العارفین افلاکی هیچ گونه مشابهتی با سلسله النسب پیدا نشد.

یکی دیگر از منابعی که زاهدی در تالیف سلسله النسب بدان نظر داشته، شاید تاریخ عالم آرای عباسی تالیف اسکندر منشی باشد. در نسخه براون، مؤلف به تاریخ اسکندر بیک اشاره می کند،^۱ لیکن در نسخه کتابخانه ملی که اساس این تصحیح است چنین عبارتی نیست. به هر حال صاحب سلسله النسب راجع به واقعه ای که منجر به جراحت پدرش پیرزاده طالش ابدال بیک در جنگ رباط پریان با دین محمدخان ازبک می شود اشاره می کند که همین واقعه در کتاب تاریخ عالم آرای عباسی با اختلافاتی درج شده است.^۲

منابع دیگر، سلسله النسب، اسناد و مدارکی است که مؤلف کتاب از پدر و نزدیکانش به دست آورده و همگی مربوط به موقوفات شیخ صفی الدین در اردبیل و اطراف آن هست. این اسناد بسیار مهم، بعضاً به صورت کامل در کتاب درج شده و در برخی موارد نیز مؤلف به وجود آنها اشاره کرده است.

کسروی معتقد است که صاحب سلسله النسب اشعار شیخ صفی الدین را از یک کتاب یا جنگ استخراج کرده که معنای آن

^۱ - سلسله النسب، برلین، ص ۱۰۷

^۲ - تاریخ عالم آرای عباسی، اسکند بیک ترکمان، به اهتمام و تنظیم ایرج افشار، امیرکبیر، تهران،

چاپ چهارم، ۱۳۸۷، جلد اول، ص ۵۷۳

اشعار نیز در آنجا آمده بوده است، چون نویسنده بی شک، اطلاعاتی دربارهٔ فهلویات و معنای آن اشعار نداشته تا بتواند زبان قدیم آذربایجان را معنی و تفسیر کند.^۱

در سلسله النسب یازده دوییتی به شیخ صفی الدین اردبیلی جد سلاطین صفوی منسوب شده که به ظن قوی از خود شیخ بوده و به زبان قدیم مردم اردبیل سروده شده است.^۲ کسروی، این ابیات را یقیناً از آن شیخ صفی الدین می داند چرا که شاعر خود را صفی معرفی کرده و استاد خود را نیز شیخ زاهد دانسته است.^۳ مؤلف، معنای این ابیات را به زبانی صوفیانه در ذیل هر دوییتی آورده است. در مورد این دوییتی ها یا فهلویات که در سلسله النسب صفویه از شیخ صفی الدین اردبیلی آمده، مقالاتی نوشته شده که به شرح و بررسی معنای این ابیات پرداخته اند.^۴

۱- آذری یا زبان باستان آذربایجان، کسروی احمد، بی تا، ص ۴۳

۲- فهلویات زبان آذری در قرن هشتم و نهم، ادیب طوسی، پژوهش های فلسفی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، اسفند ۱۳۳۴، شماره ۳۵ (سال هفتم شماره ۴)، ص ۴۶۱

۳- آذری یا زبان باستان آذربایجان، احمد کسروی، ص ۴۲

۴- ر.ک: فهلویات زبان آذری در قرن هشتم و نهم، ادیب طوسی، پیشین، صص ۴۶۰-۴۸۲؛ آذری، یارشاطر احسان، دانشنامه ایران و اسلام، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴، ص ۶۱-۶۹؛ زبان کهن آذربایجان، هنینگ: و. ب، ترجمه بهمن سرکاراتی، نامه فرهنگستان، سال اول (۱۳۷۴)، شماره ۱، ص ۵۱-۷۲؛ فهلویات شیخ صفی الدین اردبیلی، علی اشرف صادقی، مجله زبانشناسی، سال هجدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۳۳۱؛ همچنین: تأملی دیگر در فهلویات شیخ صفی الدین اردبیلی، رضایتی کیشه خاله محرم، گویش شناسی، دوره دوم، اسفند ۱۳۸۴، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۴۶

در احوال شیخ حسین پیرزاده-نویسنده کتاب

مؤلف کتاب، شیخ حسین پیرزاده ابدالی، از اولاد شیخ زاهد گیلانی (۶۱۵-۷۰۰ ق) است. وی درباره احوال خود در انتهای سلسله النسب می نویسد:

اما فقیر بی بضاعت و عاجز و ضعیف کم استطاعت، شیخ حسین ولد شیخ ابدال زاهدی، از صغر سن در رکاب فلک فرسای همایون شاهی ظلّ الهی در اسفار ظفر آثار تا توانی بود، گرد سمند مرشد کامل را توتیای دیده ره دیده می کرد. بعد از آن که ایام شباب به سر آمد، ضعف و ناتوانی قوّت گرفت، حواس و قوا مغلوب گردید، کنج عزلت اختیار نموده، به دعاگویی دوام دولت ابدی پیوند اشتغال دارد و از تاریخ که فتح قندهار (= ۱۰۵۹ قمری) گردید، به شکرانه این نعمت عظما که حق-سبحانه و تعالی- مرشد و مقتدای ما را بر اعدا مظفر و منصور گردانید، هر شب جمعه به قدر میسور که به منزله ران ملخ و خوان سلیمان است، دیگ جوشی^۱ درویشانه می کند و فقرای باب الله بر او جمع شده صرف می نمایند و از جهت مزید عمر و دولت شاه عالم پناه، دعایی به اخلاص می خوانند-ان شاء الله تعالی- قرارداد خاطر حزین آن که هرگاه بخشنده ای بی منت بر مرشد کامل، نعمت توفیق ارزانی دارد که فتح دارالسلام بغداد نماید و عمر باقی، بر درویشانه لیالی

^۱-براون: دیگ جوش

جمعه، حلوی عسل افزوده شود و در مقابل آن انعام و احسان و ذره‌پروری که بر عجزه زاهدی از سلسله مرشد کامل شده، اگر هزار جان داشته باشند ایثار خاک پای اشرف نمایند، هنوز در ادای شکرگزاری عاجز و ناتوان باشند».

افزون بر این، اطلاعات دیگری درباره احوال شیخ حسین پیرزاده وجود ندارد.

از آثار وی می‌توان به کتب ذیل اشاره نمود:

۱. مشرق الانوار

رساله‌ای عرفانی است که در آن مؤلف، شیخ صفی‌الدین اردبیلی را صاحب کرامات و فضایل در علوم ظاهر و باطن دانسته و در آن به شرح و بسط کلمات و نظرات او - بعضاً از زبان شیخ صدرالدین موسی فرزند شیخ صفی - پرداخته است. شیخ حسین ابدال زاهدی این رساله را به جهت افزونی شوق و رفع شبهات سالکان نگاشته است. آغاز رساله چنین است:

«بسمله. الحمد لله الذی جعل الحمد مفتاحاً لذكره و سبباً لمزيد من فضله و الظاهر بعجایب تدبیره للناظرین الباطل ... اما بعد باعث بر تنمیق این مقال و تبیین این احوال آنکه حضرت سلطان العارفین و برهان السالکین و اکمل المکملین و افضل المحققین خلیل العجم شیخ صفی المله و الدین - قدس سره - که حضرت مولوی معنوی با آن همه فضایل در رساله خویش

آورده که من زبان سرّ آن دلی محبوبم که بعد از من در عالم ظهور علم برکشد و جهان را به نور اشراق منور گرداند و یکان یکان صفات حضرت شیخ - قدّس سرّه - بیان نموده و همچنین سایر مشایخ مثل ... حسن ... و اخی فرج زنجانی و ملا حسن کاشی - رحمه الله علیهم - در تعریف او فصلی مشید و قصاید غراء ساخته‌اند...»^۱

کتاب مشرق الانوار شامل شش باب و یک خاتمه در شرح دوازده غزل از اشعار شمس مغربی است. مندرجات این کتاب عبارت‌اند از:

باب اول در تحقیق که بر آیات کلام الله فرموده مشتمل بر دو فصل، فصل اول؛ آنچه در معرض سؤال و جواب است. فصل دوم؛ آنچه مطلقاً بر آیات فوائد فرموده. باب دوم در تحقیق آنچه از احادیث نبوی - علیه السلام - و بر بعضی از سئوالات که کرده‌اند فرموده ایضاً منقسم بر دو قسم: قسم اول در جواب سؤال از احادیث، قسم دوم در سئوالات متنوّعه. باب سیم در تحقیق در کلمات و الفاظ و عبادات مشایخ. باب چهارم در تحقیقی که در آیات فرموده. باب پنجم کلمات در مطلقه از نصایح و زواجر. باب ششم در بعضی از کلمات منثوره او - قدس الله روحه - خاتمه در شرح اشعار مغربی.^۲

^۱ - مشرق الانوار، حسین زاهدی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره ۹۳۳/۱، ص ۱

^۲ - همان، ص ۲

مؤلف در این کتاب به شرح عرفانی آیاتی از قرآن کریم پرداخته و در آن با استفاده از آیات دیگر و احادیث ائمه-علیهم السلام- و اشعار مولوی و شیخ صفی‌الدین به توضیح و تفسیر این آیات مبادرت نموده است. وی در این کتاب از اقوال و سخنان محی‌الدین بن عربی و کتاب‌هایی همچون صفوة الصفاء ابن بزاز و مصباح الشریعه استفاده کرده. غالب مطالب کتاب بشیوهٔ سؤال و جواب مطرح شده و در ضمن آن حکایاتی از شیخ صفی‌الدین به نقل از شیخ صدرالدین فرزند او ذکر کرده است. انجام رساله چنین است:

«چنانچه شیخ عطار فرماید: بیت؛ کفر کافر را و دین دیندار را، درّهٔ عشق است دل عطار را. تمت رسالهٔ مشرق الانوار بعون الملك القهار ۱۱۰۹»^۱

از این کتاب دو نسخه در کتابخانهٔ مجلس موجود است. نسخهٔ اول نسخه‌ای است که در قرن دوازدهم کتابت شده و شامل کتاب مشرق الانوار و کتاب صفات العشاق است و به شمارهٔ ۹۳۳ در آن کتابخانه موجود است.^۲ نسخهٔ دیگر بشمارهٔ ۱۰۱۳ منضم به دیوان فتحعلی خان صبا است.^۳

^۱- همان، ص ۱۱۶

^۲- فهرست نسخه‌های مجلس شورای اسلامی، حائری عبدالحسین، مجلس، تهران، ۱۳۷۵، جلد

۲۳، بخش اول، ص ۲۲۹

^۳- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی ایران، ابن یوسف شیرازی (با اضافات عبدالحسین حائری، مجلس شورای ملی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۲، مجلد سوم، ص ۶۰۳

۲. بیان الاسرار در شرح مصباح الشریعه امام صادق (ع)

کتابی است که در آن مؤلف گزیده‌ای از مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه را که به اعتقاد وی از شهید ثانی است به الفاظ فارسی برمی‌گرداند. اصل مصباح الشریعه در صد باب است که شیخ حسین زاهدی چهل باب از آن را برگزیده و به جهت سالکان طریقت تفسیر می‌کند. مؤلف با بهره‌گیری از حکایات و سخنانی که از مشایخ طریقت و بزرگان عرفان آمده در مقام شرح مصباح الشریعه برآمده است. وی در این کتاب از سخنان شقیق بلخی، بوسهل تستری، بایزید بسطامی، شیخ صفی‌الدین اردبیلی و اشعار خواجه علی صفوی، خود <مؤلف>، مولوی و شمس مغربی بهره برده است. زاهدی در خصوص این کتاب در مقدمه بیان الاسرار چنین گوید:

«اما بعد بر سالکان عارف و عارفان موحد پوشیده نماند که

مضمون حدیث: **الشریعة اقوالی و الطریقة افعالی و**

الحقیقة حالی؛ بر عالمیان ظاهر است بناء علی هذا حضرت

امام ناطق مقتداء المغارب و المشارق، کاشف الحقایق و

دقایق، جعفر الصادق -علیه السلام- در صدد تبیین وی

درآمده و معانی او را به عبارات مختلفه و اشارات لایقه بیان

فرموده‌اند و فتح الباب خزاین او نموده، به تحف و لآلی وی

صلای عام درداده‌اند؛ و أعظم الموحّدين و قطب المجتهدین

شیخ زین الدین المشهور بشهید ثانی توفیق تالیف یافته به

مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة موسوم گردانیده اند؛ و کمترین بی بضاعت شیخ حسین زاهدی از احسان نامتناهی ... آن نمود که چهل باب از ابواب او که به سر حد مآت رسیده است و محتاج الیه سالکان است ابراز نموده به عبارت فارسی و الفاظ قریب به فهم شرح نماید و در ذیل هر باب آنچه از مشایخ عظام بالإصالة و بالمشافهه معلوم او شده باشد بنابر مصلحت وقت معروض نموده آید تا سالکان هدایت انجام و مجاهدان سعادت فرجام را از او حظی وافر و غنیمتی شافی نصیب گردد... و این تحفه سنیّه به بیان الاسرار مسما گشت»^۱.

اما ابوابی که مؤلف آن را شرح نموده عبارتند از:

«باب المعرفة، باب الرضاء، باب افتتاح الصلوة، باب الصوم، باب الحج، باب الجهاد و الرياضة، باب الاقتداء، باب التوبه، باب الذکر، باب العزلة، باب الصمت، باب النوم، باب الزهد، باب التقوی، باب الصدق، باب الورع، باب الاخلاص، باب التوکل، باب التفویض، باب الیقین، باب حبّ الله، باب الحبّ فی الله، باب الشوق، باب الراحة، باب حسن الخلق، باب غضّ البصر، باب التکلیف، باب الأخذ و العطاء، باب الحزن، باب برّ الوالدین، باب آفت العلماء، باب معرفت الجمیل، باب المدح

^۱ - بیان الاسرار، حسین زاهدی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره ۳۰۴۳، ص ۳ و ۴

و الثناء، باب الطمع، باب الفساد، باب الوسوسة، باب صفة
الدين، باب الحسد، باب الخوف و الرجاء، باب حقيقة
المعبودية».^۱

آغاز بیان الاسرار:

«بسمله. حمد و ثنایی که مقربان ملاً اعلی و منشیان عالم بالا و
خلوت نشینان خطه غبراء شمه ای از ادای آن عاجز آیند...»

انجام:

«...و این آواره بیدای سرگردانی را به اخلاص ارشاد

فرمایند... زبان حقایق ترجمان بطعن و رد او نگشایند.»^۲

این کتاب بنا به گفته مؤلف در پایان آن سال ۱۰۵۸ موافق جمله "منیع
فیوض" پایان یافته است.^۳

۳. صفات العشاق در شرح حدیثی از امیرالمؤمنین علی (ع) در بدایع
خلق انسان که به سال ۱۰۷۳ ق تألیف شده^۴

^۱ - همان، ص ۴ و ۵

^۲ - مصنفات شیعه، آقابزرگ طهرانی محمد محسن، به اهتمام محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد
پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، جلد اول، ص ۴۶۶؛ الذریعه الى تصانیف الشیعه،
آقابزرگ طهرانی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۶، ص ۱۱۵؛ فهرست نسخه های خطی
کتابخانه ملی ملک، ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه، تهران، نشر هنر، ۱۳۶۹، جلد ۷، ص ۱۹۲

^۳ - فهرست کتاب های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، سید احمد حسینی، کتابخانه مرعشی، قم،
۱۳۶۸، جلد ۱۸، ص ۳۱۶

^۴ - فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جلد ۲۳، بخش اول، ص ۲۳۱

کتابی است که در آن شیخ حسین زاهدی به شرح حدیثی از امیرالمومنین علی (ع) در مورد بدایع خلقت انسان کامل می‌پردازد که می‌گوید: «الصورة الانسانية هي اكبر حجة الله على خلقه و هي الكتاب الذي كتبه بيده و هي الهيكل الذي بناه بحكمته و هي مجموع صور العالمين و هي المختصر من اللوح المحفوظ و هي الشاهد على كل غائب و هي الحجة على كل جاحد و هي الطريق المستقيم الى كل خير و هي الصراط الممدود بين الجنة و النار». زاهدی می‌گوید پیش از او سه نفر در این ولایت به شرح این حدیث پرداخته‌اند لیکن از وی درخواست نموده‌اند مطالبی در باب آن بیان نمایند. مؤلف در نه فقره به بررسی و شرح این حدیث می‌پردازد و در آن با استفاده از مطالب عرفانی و صوفیانه توضیحاتی در خصوص این نه فقره و عبارات می‌دهد. وی این کتاب را به صفات العشاق نامگذاری کرده و می‌گوید تاریخ تالیف این کتاب نیز به عدد نام کتاب <=۱۰۷۳> می‌باشد.^۱

آغاز:

«بسملة. الحمد لله الذي جعل الانسان الكامل معلم ملك دادار
سبحانه تعالى ... اما بعد چنین گوید اضعف عباد شیخ حسین
زاهدی که کلام معجز نظام حضرت شاه ولایت علیه الصلوة
و السلام که در باب بدایع خلقت انسان کامل از آن حضرت

^۱ - صفات العشاق، حسین زاهدی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره ۹۳۳/۳، ص ۱۲۴ و ۱۲۵

وارد شده و در این ولا سه نفر از فضلاء معتبر بحسب
الامکان هر یک شرح علیحده فرموده اند ... و جماعت
درویشان از فقیر درخواست نمودند که آنچه مقدور باشد در
آن باب پی روی ایشان نماید ... چون در حدیث مزبور احوال
انسان کامل را بیان فرموده اند و کمال به اتمام نمی رسد مگر
بعشق از این رو این رساله مسمی شد به *صفات العشاق* عجبت
آنکه از اتفاقات حسنه عدد تاریخ تالیف بهمان اسم درست
آمد.^۱

انجام:

«از ترجمه حدیث شریف مزبور آنچه بخاطر پریشان می رسید
این بود که معروض شد؛ رجای واثق است که مقبول طبع
عزیزان گردد والسلام علی من اتبع الهدی. خدا بیامرزد این هر
سه را-مصنف، نویسنده، خواننده را»^۲

۴. سلسلة النسب صفویه- کتاب حاضر -

کتابی است که به بررسی احوال شیخ صفی الدین اردبیلی و اولاد او و
روابطش با شیخ زاهد گیلانی و فرزندان وی می پردازد که پیشتر
<یعنی ابتدای مقدمه> در خصوص آن توضیح داده شد.

^۱-همان

^۲-همان، ص ۱۳۳

تصحیح پیشین سلسله النسب و چگونگی ویرایش نسخه حاضر

این کتاب ابتدا به اهتمام ادوارد براون در سال ۱۳۴۳ قمری- ۱۹۲۴ میلادی در انتشارات ایرانشهر برلین به چاپ رسید و حسین کاظم‌زاده ایرانشهر برای آن مقدمه‌ای با عنوان «سرآغاز» نوشت.^۱ کاظم‌زاده در سرآغاز کتاب، از عباراتی که ادوارد براون بر این کتاب نوشته، استفاده کرد و مقدمه‌ای درخور برای آن قلمی کرده است. این اثر بار دیگر، توسط انتشارات اقبال در تهران، بر اساس چاپ ادوارد براون تحت عنوان «[پنج] ۵ اثر ارزنده از انتشارات ایرانشهر» در سال ۱۳۵۱ شمسی به چاپ رسیده است.

اما آنچه سبب تصحیح دوباره این کتاب توسط مصحح شد، نایاب بودن کتاب و پیدا شدن نسخه‌ای دیگر از کتاب مورخ به ۱۰۹۹ ق در کتابخانه ملی تهران بود که در دسترس مصحح پیشین نبود. اگر نسخه چاپی براون با نسخه خطی کتابخانه ملی مقایسه شود، خوانندگان، متوجه قرائت‌های ناصحیح مصحح پیشین خواهند شد.

^۱ -برخی مصحح سلسله النسب صفویه را حسین کاظم‌زاده ایرانشهر دانسته‌اند (تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، شعله، ای. کوپین، ترجمه منصور صفت گل، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۲۰۰) و برخی دیگر نیز آن را ادوارد براون دانسته‌اند. (شاه اسماعیل نامه، قاسمی گنابادی محمدقاسم، تهران، فرهنگستان زبان فارسی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۴) نمی‌توان به‌صورت قطع گفت که این کتاب توسط ادوارد براون تصحیح شده یا کاظم‌زاده ایرانشهر ولی نظر به اینکه مصحح پیشین کتاب در برداشت‌هایی که از نسخه خطی داشته همان‌طوری که اشاره می‌شود نتوانسته برخی کلمات که هر فارسی‌زبانی آن را می‌داند تشخیص دهد به‌احتمال قریب به‌یقین می‌توان مصحح را ادوارد براون دانست.

گرچه براون اطلاعات وسیعی در حوزهٔ ایران‌شناسی داشته، لیکن اشتباهاتی هم کرده که توجه به آنها بایسته است.

نسخهٔ متعلق به کتابخانهٔ ملی به شمارهٔ ۱۱۲۰۲-۵ ویژگی‌هایی را داراست که نسخهٔ براون عاری از آنهاست. این نسخه مورخ به تاریخ ۱۰۹۹ ق است احتمالاً در زمان حیات نویسنده و پادشاهی شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) کتابت شده. با بررسی‌های صورت گرفته مشخص می‌شود که نسخهٔ موجود در کتابخانهٔ ملی در برخی جای‌ها از نسخهٔ براون کامل‌تر بوده و جزئیات بیشتری را برای ما آشکار می‌کند. به‌طور مثال، در حکایات مربوط به پایان عمر شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در نسخهٔ کتابخانهٔ ملی مطالبی راجع به سفر شیخ صفی وجود دارد که در نسخهٔ براون نیامده است. عبارت نسخهٔ کتابخانهٔ ملی چنین است:

«و شیخ -قدس سره- در اواخر عمر شریف ارادهٔ حج نمود به تاریخ شهر رمضان المبارک سنهٔ سبع و عشرين و سبع مائه >= ۷۲۷ ق < کلّ املاک خود را وقف اولاد آن چهار پسر نموده، وثیقه ای به خطّ قضات آن عصر به قلم آورد و همچنین وثیقه ای دیگر به قلم آورد...»

درحالی که عبارت نسخهٔ براون چنین است: «و در آخر عمر شریف، ارادهٔ طواف کعبهٔ معظمه نموده، وثیقه ای به قلم آورد...».

همچنین درباره وفات اولاد شیخ صفی‌الدین، نسخه براون مطلب را به اختصار بیان می‌کند ولی نسخه کتابخانه ملی جزئیات را هم ذکر می‌کند. مطالب نسخه کتابخانه ملی چنین است:

«و فرزندان حضرت شیخ بعد از مدت دو سال از رحلت شیخ به تاریخ سلخ ذی الحجة سنة سبع و ثلاثین و سبع مائه املاک و قفی اولادی را در میان خود حصّه نمودند و وثیقه ای معتبر به قلم آورده به خطوط شریف خود مؤکّد و موشّح ساختند و بعد از اندک زمانی، آن سه برادر از دنیا رحلت فرمودند».

نسخه براون به عبارت پایانی بسنده می‌کند که: «و بعد از اندک زمانی، آن سه برادر از دنیا رحلت فرمودند».

شیوه تصحیح

مجالس نقاشی و نگاره های مندرج و موجود در نسخه کتابخانه ملی با نسخه بروان متفاوت است و ما همه این تصویرها را در کتاب آوردیم. مصحّح تلاش کرده تا به شیوه ای علمی اثر پیش رو را ویراسته و پیراسته نماید. در برخی جای‌ها که اغلاط و تصحیفات موجود در نسخه واضح بود، آن را در پاورقی آوردیم و صحیح آن را در متن اعمال کردیم. در برخی، ایراداتی بر نویسنده کتاب وارد است. او در اکثر موارد، به جای شیخ صفی‌الدین از «شیخ» استفاده کرده که به جهت جلوگیری از برداشت اشتباه خواننده با «شیخ زاهد» تا جای

ممکن، مصحح آن را درون گروه اضافه کرده است. با توجه به اینکه حکایات و فصول مندرج در کتاب، عنوان مشخصی نداشتند و باعث تشویش خواننده می‌شد، بنابراین مصحح در موارد لازم، مطالب را عنوان‌بندی نموده و در گروه قرارداد. نمایه‌های لازم را نیز بر کتاب افزودیم که در نسخه چاپی براون وجود نداشت.

ویژگی‌های رسم الخطی نسخه خطی

نسخه کتابخانه ملی، به خط نستعلیق و در ۲۰۳ صفحه تحریر شده است. ویژگی‌های رسم الخطی نسخه اصل مانند رسم الخط کتب اواخر صفویه تا قاجاریه است، ولی در برخی موارد ویژگی‌های خاصی نیز نسبت به دیگر متون در آن به چشم می‌خورد که ظاهراً از رسم الخط قدیم یعنی قرون اولیه اسلامی بازمانده است. در اکثر موارد، زیر حرف «سین» مانند رسم الخط قدیم سه نقطه قرار داده است. استفاده از تشدید برای تکرار حروف، همان‌طور که در رسم الخط امروزی متداول است مانند قدس سره، استفاده از نقطه و سه نقطه به رنگ قرمز به جای کاما <،> و برای نشان دادن پایان جملات و عبارات، وصل «باء» به کلمات پس از آن مانند «بسوی»، «بحسب»؛ اتصال «می» به افعال در برخی موارد مانند «میکردند» و «میگریست». در برخی موارد نیز «می» را جدا کرده است مانند «می بود»؛ عدم تفاوت میان کاف و گاف بدین طریق که همه به صورت کاف نگاشته شده‌اند مانند «جگرپاره» به جای جگرپاره و «کرجیان» به جای گرجیان؛ در برخی

موارد فعل «است» به حرف قبل از خود چسبیده و برخی موارد جدا نوشته شده است؛ استفاده از «ة» به جای «ت» مانند «بجته»؛ استفاده از ضمه در برخی موارد برای نشان دادن تلفظ کلمه مانند «شمار» و چسباندن «آن» به کلمه ماقبل و مابعد «آنکس» «آنطرف» از ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه نویافته در کتابخانه ملی است.

نسخه اساس ما در این تصحیح نسخه کتابخانه ملی تهران به شماره ۱۱۲۰۲-۵ است که در پاورقی به نام «ملی» ذکر شده. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، انتخاب نسخه به دلیل ویژگی‌های خاص رسم‌الخطی و وجود مطالب تاریخی است که در نسخه براون نیامده است. نگاره‌های منحصربه‌فردی که این اثر را تزیین نموده این نسخه را ممتاز کرده است. نسخه کتابخانه ملی در شهرستان اهر و به تاریخ ۱۰۹۹ استنساخ شده و پرواضح است که از روی نسخه اصل و در زمان مؤلف یا نزدیک به آن تحریر یافته است. نسخه اساس، ادوارد براون متعلق به فرهاد میرزا قاجار بوده است که بدون تاریخ کتابت است؛ چون به اصل نسخه دسترسی نداشتیم لاجرم نسخه چاپی ادوارد براون را برای مقابله برگزیدیم که موارد اختلاف آن با نسخه اساس با عنوان «براون» در پاورقی درج شد.

در تصحیح اشعار ترکی

در بازنگاری متون اشعار ترکی به الفبای عربی، املائی کلمات را بر اساس معیارهای آسان خوانی ترکی نگاشتیم تا خواننده راحت تر با آن انس بگیرد. این زحمت را استاد محترم دکتر حسین محمدزاده صدیق تقبل کردند که سپاسگزار ایشان هستم.

در پایان، التماس دارم از محضر اصحاب دانش و بینش که چون کتاب مذکور را مطالعه فرمایند و لغزشی یابند مصحح را ارشاد فرموده و با تذکر موارد لغزش او را به خطاهای خود بیاگاهانند تا در چاپ دیگر نسبت به اصلاح آنها اقدام شود.

والسلام خیر ختام

حسین نصیر باغبان

مرداد ۱۳۹۴ هجری خورشیدی